

تفسیر طوسی

شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در «التبیان»

دکتر مرتضی کریمی نیا

«التبیان فی تفسیر القرآن» تألیف شیخ طوسی (۴۶۰-۳۸۵ق) نخستین تفسیر کامل شیعه است که در بغداد و دوران حکومت آل بویه تدوین یافته است. این اثر از جهات بسیاری با دیگر تفاسیر مختصر شیعه (پیش از شیخ طوسی) مانند عیاشی، فرات و علی بن ابراهیم قمی و نیز تفاسیر اهل سنت چون فرات، طبری و حبیبی متفاوت است. همین شیوه تفسیر نگاری شیخ طوسی را طی قرون بعد، در میان مفسران معروف شیعی چون طبرسی، ابوالفتوح، مولی فتح الله کاشانی و علامه طباطبایی می توان دید. مقاله حاضر با مروری بر منابع و روش های تفسیری شیخ طوسی در التبیان روشن می سازد که این اثر محصول ذهن پویا، نقاد و جامع نگر شیخ طوسی در عصر خود در بغداد بوده است. مجموعه شرایط زمانی و مکانی قرن چهارم و پنجم هجری در بغداد، علاوه بر نیازها، تنگناها و پرسش های اساسی علوم اسلامی در آن زمان، تفسیر التبیان شیخ طوسی را یکسره متفاوت از تمام تفاسیر پیش طوسی ساخته است؛ به گونه ای که می توان به وضوح آن را ترکیبی گزینش شده از مهم ترین آثار و آرای ادبی، لغوی، فقهی، کلامی و تفسیری شیعه و سنی در حوزه قرآن و در عصر شیخ طوسی دانست.

التبیان فی تفسیر القرآن، تألیف شیخ الطائفة، ابو جعفر محمد بن حسن، معروف به شیخ طوسی (۴۶۰-۳۸۵ق) نخستین و قدیمی ترین تفسیر کامل و جامع شیعی بر قرآن است که امروزه در اختیار داریم. هیچ یک از تفاسیر موجود شیعی متقدم بر وی، از جمله تفاسیر فرات کوفی، عیاشی، علی بن ابراهیم قمی و نعمانی کامل نیستند و به نظر نمی آید که اسامی کتاب های مذکور در فهرست های قدیمی ای همچون الفهرست (شیخ طوسی)، کتاب الرجال (نجاشی) و الفهرست (ابن الندیم) به تفسیر کاملی از قرآن، آن چنان که در قرون سوم و چهارم رایج بود، مورد اشاره باشند.

شیخ طوسی خود در کتاب فهرست (ص ۲۴۱) می گوید کتابی بی نظیر در تفسیر قرآن دارد. این گفته وی و داوروی های بسیار تحسین برانگیز برخی عالمان در طول تاریخ، نشان می دهد با تفسیر قرآنی جدید - از نظر روشی - و متفاوت با شیوه قداما و به رو هستیم. سبک تفسیری شیخ طوسی در التبیان، دامنه استفاده وی از دانش های مختلف و نیز

بازارهای تفسیری وی در این کار عظیم - دست کم تا زمان خود وی - در میان نگاشته های تفسیری شیعه منحصر به فرد است؛ از این رو همواره این پرسشی اساسی در تاریخ تفسیر و نیز در شناخت سیر تحول تفسیر شیعه به شمار می آید که بدانیم منابع فقهی، کلامی، ادبی و تفسیری شیخ طوسی و نیز الگوی وی در کار تفسیر نویسی چه بوده است؟ پرسش مهم تر اینکه چرا وی در دوره حیات خود با آنکه به بسیاری از منابع شیعه و اهل سنت دسترسی داشته است، از برخی آنها بسیار کم بهره برده با اصلا استفاده نکرده است؟

روش شیخ طوسی در تفسیر قرآن که امروزه برای ما چندان عجیب نیست اما در قیاس با تفاسیر پیش طوسی بسیار متفاوت می نماید، محصول چندین دهه فعالیت علمی فقیهان و متکلمان شیعی در عراق و علی الخصوص بغداد، در دوره آل بویه است. در صدر این دسته از عالمان، خود شیخ طوسی قرار دارد که شاید بتوان او را بزرگ ترین عالم شیعی در سراسر قرون میانه دانست اما روش وی

از برخی جهات مسلما از استادان و معاصرانش در بغداد همچون شیخ مفید (۴۱۳ق)، شریف رضی (۴۰۶ق) و شریف مرتضی (۳۵۵-۳۳۶ق) تأثیر پذیرفته است. این شیوه متفاوت در تفسیر و روش جامع نگر وی را می توان «مکتب تفسیری تبیان» دانست که بر اغلب تفاسیر بعدی شیعه از جمله مجمع البیان (طبرسی)، تفسیر ابوالفتوح رازی (رازی)، فقه القرآن (قطب رواندی)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین (ملافتح الله کاشانی) و المیزان فی تفسیر القرآن (علامه طباطبایی) تأثیر گذارده است. باین همه، از آنجا که چنین روشی در تفسیر نگاری شیعه در قرون ۴ و ۵ هجری در بغداد شکل گرفته است، نام «مکتب تفسیری بغداد» مناسب تر می نماید.

تفاسیر پیش طوسی

تأثیر از زمان شیخ طوسی، شیعیان تفاسیر فراوانی بر قرآن کریم تألیف کرده اند. مجموعه این نگاشته های تفسیری آن چنان که از فهرست های کهن برمی آید نزدیک به یکصد رساله کوچک و بزرگ قرآنی و تفسیری را شامل می شود. از این

میان، مهم ترین تفاسیر شیعی که اکنون به دست ما رسیده اند و ما آنها را تفاسیر پیش طوسی می نامیم عبارتند از: ۱- تفسیر فرات کوفی، نگاشته فرات کوفی (زنده در ۳۰۷ق)؛ ۲- تفسیر العیاشی، نوشته ابونصر محمد بن مسعود عیاشی (در دوره غیبت صغری)؛ ۳- تفسیر علی بن ابراهیم قمی (زنده در ۳۰۷ق)؛ ۴- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری^(ع) (به روایت ابوالحسن محمد بن قاسم استرآبادی)؛ ۵- تفسیر نعمانی، منسوب به ابوعبدالله محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی معروف به ابن ابی زینب (در اوایل قرن چهارم)، جز اینها، منابع متقدم تفاسیر و رساله های قرآنی فراوانی را به اصحاب نزدیک ائمه^(ع) چون ابوالجواد، جابر جعفی، ابان بن تغلب، ثابت بن دینار معروف به ابو حمزه ثمالی، احمد بن محمد بن خالد برقی و... نسبت می دهند که هیچ یک از آنها را نیز نمی توان تفسیر به معنای متداول در قرون سوم و چهارم دانست.

تفاسیر پیش طوسی چند ویژگی مشترک دارند که تقریبا هیچ یک در تفسیر التبیان شیخ طوسی به چشم نمی خورند:

الف) همه این تفاسیر گریزه و جزئی اند. هیچ یک از این آثار به قصد نگارش تفسیر کاملی بر تمامی سوره ها و آیات از آغاز تا پایان قرآن تألیف نشده اند. فی المثل تفسیر منسوب به امام حسن عسکری^(ع) تنها تا پایان آیه ۲۸۲ بقره را در بر دارد. تفسیر نعمانی هم اساسا نوعی تقسیم بندی آیات قرآنی در ۶۰ موضوع مختلف است که لابه لای گفت و گوی میان امام و راوی، نزدیک به ۵۰۰ آیه قرآن تفسیر می شود.

ب) ملاک گزینش آیات قرآن در این تفاسیر به طور عمومی، با توجه به آیاتی بوده است که با مسائل کلامی، تاریخی، فقهی و تفسیری مکتب اهل بیت، به ویژه فضایل اهل بیت و متالب دشمنان ایشان از تباط داشته اند.

ج) تنها به نقل روایات ائمه^(ع) می پردازند، به ندرت روایت یا رأی از صحابه و تابعین ذکر می کنند و کمتر به بررسی نکات صرفی، نحوی، بلاغی، فقهی، کلامی و علمی در تفسیر آیات می پردازند یا به بیانی

از شاعران جاهلی برای تعیین معنای واژه‌های استناد می‌کنند.
(د) مؤلفان این تفاسیر به آسانی و به شیوه‌ای غیرانتقادی روایات شیعی دال بر تحریف و حدیث نقصان در آیات قرآن را نقل می‌کنند.

ه) این مفسران به همین نحو روایاتی نقل می‌کنند که در آنها نسبت به اهل سنت، سه خلیفه نخست و برخی دیگر از صحابه، مذمت‌هایی آمده و گاه موضع بسیار سرسختی در قبال ایشان اتخاذ کرده‌اند.

تمام ویژگی‌های فوق در التبیان تغییر یافته است؛ اولاً التبیان تفسیری کامل بر تمام اجزا و آیات قرآن است؛ ثانیاً جز نقل روایات ائمه، هم آرای دیگر مفسران طبقات نخستین چون قتاده، ابن عباس و... به وفور در آن آمده است و هم نویسنده آن به تمامی علوم و فنون متعلق به تفسیر همچون صرف، نحو، اشتقاق، معانی و بیان، حدیث، قفه، کلام، تاریخ و حتی علوم طبیعی توجه کرده و تفسیر خود را در آن عصر در شمار تفاسیر غیر مأثور قرار داده است؛ ثالثاً به لحاظ تراجم در مقدمه کتبش خویش (التبیان، ج ۱، ص ۳) روایات دال بر تحریف قرآن را در شمار اخبار آحاد و ضعیف جای می‌دهد هر گونه تحریف، زیادت یا نقصانی را از ساحت قرآن کریم دور می‌شمارد و سرانجام آنکه در عین دفاع از آموزه‌های فقهی، کلامی و تفسیری شیعه، تقریباً هیچ گاه روایت یا جمله‌ای مشعر به مذمت خلفا، صحابه و عموم اهل سنت در تفسیر خود نقل نمی‌کند.

شیخ طوسی در مقدمه التبیان با اشاره به انگیزه خویش از نوشتن این تفسیر می‌گوید: «همچونیک از عالمان شیعی را ندیده‌ام که کتابی در تفسیر تمام قرآن و مشتمل بر همه انواع علوم و معانی آن نوشته باشد، تنها برخی از ایشان به ذکر روایات موجود در کتب حدیثی پرداخته‌اند، این‌که استصفا کنند یا در تفسیر مبهمات آن بگویند». وی عالمان اهل سنت را در این موضوع به ۴ دسته تقسیم می‌کند: کسانی چون طبری که به تطویل، هر سخن منقولی را در تفسیر قرآن گرد آورده‌اند؛ کسانی که به اختصار تنها به تفسیر الفاظ غریب و مشکل قرآن پرداخته‌اند و آنها که راه میانه را پیموده و بیشتر به علمی توجه کرده‌اند که خود در آن تبحر داشته‌اند. فی المثل زجاج و فراه به صرف و نحو، مفصل بن سلبه و واژگان و اشتقاق الفاظ، ابوالقاسم بلخی به کلام و ابوالقاسم بلخی به فقه توجه کرده‌اند. طوسی تنها تفسیر ابومسلم محمد بن جریر صنفهانی (۲۲۲-۲۵۴) و علی بن عیسی رماتی (۲۸۴-۲۹۶) که هر دو از علمای معتزله هستند را بهترین می‌داند اما یادآوری می‌کند که ایشان نیز گاه به امور غیر ضروری پرداخته‌اند. بنابراین وی می‌کوشد که تفسیرش به اختصار، همه فنون و علوم قرآنی را دربر گیرد، متشیب‌هاست قرآن را توضیح دهد، مباحث کلامی در رد مجریه، مشبهه، مجسمه و جز ایشان را بیان و ادله علمای شیعه بر حقیقتی اصول و فروع مذمهبشان را با استناد به آیات قرآن باز گوید.

این نخستین بار است که عالمی شیعی در تفسیر خود از مفسران اهل سنت نام می‌برد، بر ایشان نقدهایی وارد می‌کند، برخی را می‌ستاید و در جای‌جای کتاب خود بی‌محاسبه به اشعار شاعران جاهلی یا مخضرمی (چون اعشی، نابغه، امری القیس، زهیر بن ابی سلمی و جریر بن عطیه) احوال لغویان و نحویان (چون سیبویه، خلیل بن احمد، کسایی، ثعلب، فراه و ابن درید) قرائت قراء سبعه و غیر سبعه (چون ابی، ابن مسعود، نافع مدنی، حمزه کوفی، یعقوب بن اسحاق)، آثار فقهی و از همه مهم‌تر مکتوبات کلامی (چون آثار و آرای شریف مرتضی، وزیر مغربی، ابوالقاسم بلخی، ابوالعلی جبایی و رماتی) اشاره می‌کند و حتی از بسیاری مفسران دوره‌های نخست (چون ابن عباس، قتاده، عکرمه، ضحاک و حسن بصری) که بیشتر گرایش‌های غیر شیعی داشته‌اند مطالبی نقل و گاه نقد می‌کند.

به همین سان، وی در مقدمه کتاب خود از عالمان شیعه و تفاسیر ناگفتی ایشان انتقاد می‌کند اما انتقاد وی از عالمان و مفسران شیعی پیش از خود به این معنا نیست که در کار خود به این آثار هیچ توجهی

نداشته یا آنها را ندیده است؛ با رویکردی که وی در جامع‌نگری و نه جزئی‌نگری - تفسیر قرآن برگرفته است، گاه در کنار سایر مباحث خود به برخی اقوال و روایات تفسیری شیعه در کتب متقدمان هم اشاره می‌کند اما ملامت وی در انتخاب روایات شیعی و شیوه وی در پردازش بحث، کاملاً متفاوت از کار مفسران پیش - طوسی است.

ارز یابی منابع شیخ طوسی در التبیان
الف - منابع تفسیری مأثور شیعه: نخستین دسته از منابع شیخ طوسی، آثار تفسیری شیعه و به طور کلی روایات مأثور شیعی است. اگر از مجموعه روایات برگرفته تفسیری که از پیامبر اکرم (ص)، علی (ع) و دیگر ائمه (ع) در متون و مراجع روایی امامیه آمده است صرف نظر کنیم، نخستین کوشش‌های تفسیری شیعه را باید در تدوین کتب تفسیر روایی به دست برخی از شاگردان ائمه (ع) دانست. هیچ‌یک از این کتب اولیه، عیناً به دست مانر سیده‌امام بسیاری از آنها تا قرن‌ها در دسترس عالمان (شیعه و سنی) بوده‌اند و ایشان در کتب تفسیری خود از آنها نقل کرده‌اند.^(۱)

نخستین تألیفات تفسیری شیعه که اکنون به دست ما رسیده‌اند، یعنی تفاسیر فرات کوفی، عیاشی، علی بن ابراهیم کوفی و جز آن، اغلب با بهره‌گیری و گزینش از میان همین آثار مقدم تهیه شده‌اند. مروری بر آثار رجالی و حدیثی شیخ طوسی نشان می‌دهد که وی تمامی این آثار مقدم و متأخر امامیه در زمینه تفسیر را می‌شناخته و بیشتر آنها در دسترس وی بوده‌اند؛ با این همه میزان استفاده وی از این تفاسیر بسیار محدود و نحوه گزینش و نقل روایات شیعه در تفسیر وی کاملاً متفاوت و تا حدی محتاطانه است. وی با آنکه از مفسران قدیم اهل سنت در طبقه صحابه و تابعین و نیز مفسران متأخر ایشان همچون طبری، فراه، ابوالعلی جبایی، ابوالقاسم بلخی و... به کرات نام برده و گاه از کسانی چون علی بن عیسی رماتی و ابومسلم محمد بن جریر صنفهانی با اعجاب و تحسین نقل قول می‌کند، در مقابل، بسیار کم به مفسران شیعه (شاگردان ائمه و نخستین مدونان تفاسیر شیعه) اشاره می‌کند؛ گو اینکه شأن ائمه (ع) در نظر وی و اشاره هیچ‌کس قابل قیاس نیست و اشاره به اقوال ایشان به‌ویژه امام باقر و امام صادق (ع) در تفسیر وی فراوان است.

اسامی روایان و اصحاب ائمه (ع) در قرون اول و دوم هجری که آثار قرآنی و تفسیری‌شان در دسترس شیخ طوسی بوده است، بسیار به‌ندرت ذکر می‌شود. غرابت این امر وقتی بیشتر جلب توجه می‌کند که در بابیم طبرسی در یک سده بعد، هنگام تفکر از تفسیر خود بر مبنای تفسیر التبیان، به‌نقراز این آثار نام می‌برد و روایاتی از آنها نقل می‌کند. نام تفاسیر به‌جامانده از قرون دوم، سوم و چهارم، چون آثار ابو حمزه ثمالی، ابن جهم، حبر، سیاری، عیاشی، فرات کوفی و نعمانی نیز در هیچ‌جای تفسیر التبیان نیامده است. با این همه، با جست‌وجو در برخی مواضع این تفسیر، مواردی را می‌توان یافت که شیخ طوسی آنها را از این تفاسیر برگرفته است. معروف‌ترین اصحاب ائمه که منابع کهن چون الفهرست ابن‌الدیم، رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی آنها را صاحب کتاب‌هایی در تفسیر و قرائت دانسته است، عبارت‌اند از: ابن‌نقلب (م ۱۶۱ ق)، ثابت بن دینار معروف به ابو حمزه ثمالی (م ۱۶۸ تا ۱۵۰ ق)، جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸ ق)، زیاد بن منذر معروف به ابو الجارود، ابوالحسن علی بن ابی حمزه البطلانی (م ۱۰۶ تا ۱۰۱ ق)، ابومحمد حسن بن علی بن ابی حمزه البطلانی، عیسی بن داود النجار، محمد بن علی بن ابی‌شعبه الحلبی (م پیش از ۱۴۸ ق)، منخل بن جمیل اسدی معروف به بیاض الجوار، راوی جابر جعفی و...^(۲) جز دو تفسیر جابر جعفی و ابوالجارود، نام

هیچ‌یک از این صاحبان آثار تفسیری در التبیان نیامده است. حال آنکه مقولات بسیاری از ایشان در تفاسیر پیش‌طوسی (از قبیل حبر، عیاشی، فرات کوفی، علی بن ابراهیم قمی)، تفاسیر پس از وی، حتی مجمع البیان امین الاسلام طبرسی و تفاسیر روایی متأخر چون البرهان (سید هاشم بحرانی) و نورالتقلین (شیخ عبدعلی بن جمعه عروسی هویزی) آمده است. یگانه تفسیر کهن امامیه که شیخ طوسی بارها و بی‌واسطه از آن نقل می‌کند و صریحاً نام وی را می‌برد، ابوالجارود است. البته آرای تفسیری منقول از ابوالجارود در کتاب التبیان منحصر به مواردی است که در آنها هیچ‌شانغی از جانب‌داری از اعتقادات شیعه به چشم نمی‌خورد. در این موارد، طوسی پس از ذکر اقوالی از صحابه و تابعین می‌گوید: «مشابه این سخن را ابوالجارود از امام باقر (ع) روایت کرده است» (همان، ج ۲، ص ۱۴۲؛ ج ۳، ص ۱۱۲، ۱۱۳، ۳۰۶). این نشان می‌دهد که به نظر مفسر ما، ابوالجارود هم می‌خواهد همان سخنی را بگوید که مفسران سلف اهل سنت گفته‌اند.

از میان تفاسیر مدون روایی پیش‌طوسی تنها به نقل‌هایی بسیار اندک از کتاب تفسیر العیاشی و تفسیر علی بن ابراهیم قمی بر می‌خوریم. عجیب آنکه شیخ طوسی هیچ‌گاه در تفسیر خود به نام عیاشی اشاره نمی‌کند و تنها ۲ بار از علی بن ابراهیم قمی نام می‌برد.^(۳) این امر چنین گمانی را تأیید می‌کند که: در همین موارد اندک هم (دست‌کم هنگام نقل از عیاشی) وی روایات تفسیری را از دیگر منابع حدیثی کهن نقل کرده است.

استفاده اندک شیخ طوسی از روایات موجود در آتفسیر عیاشی و علی بن ابراهیم قمی به هیچ‌روی شامل تأویلات بعدی در این تفاسیر نمی‌شود بلکه منحصر به مواضعی است که بسیار مشابه مقولات صحابه و تابعین باشند یا اینکه آری خاص ایشان، اما قابل قبول برای عموم مسلمانان باشد. فی‌المثل وی در تفسیر آیه ۱۵۸ سوره نساء (و این من اهل‌الکتاب إلا لیؤمنن قبل موته) می‌گوید مفسران در تعیین مرجع ضمیر «ه‌ها» در «موته»، کیفیت و زمان ایمان آوردن پس از آن نقل نظر دوم می‌گویند: «ذهب إلیه ابن عباس و ابومالک و الحسن و قتاده و ابن‌زید و ذک حین لا ینفعم الامیان و اختاره الطبرسی»؛ قال: و الایه خاصه لمن یکون فی ذلک الزمان و هو الذی ذکره علی بن ابراهیم فی تفسیر اصحابنا»^(۴)

ب منابع تفسیری - کلامی شیعه در دوره بغداد آل بویه:
دومین دسته از منابع شیخ طوسی در التبیان، آثار کلامی و تفسیری شیعه در درون مکتب تفسیری بغداد است. شیخ طوسی خود یکی از مهم‌ترین بنیان این مکتب علمی در بغداد است، اما فضای علمی و اجتماعی آن روزگار و تلاش عالمان بزرگی چون شیخ مفید (۱۱۳ ق)، شریف‌رضی (۴۰۶ ق) و شریف مرتضی (۲۳۶-۳۵۵ ق) در شکل‌گیری این مکتب قابل چشم‌پوشی نیست. شیخ طوسی خود مدت ۵ سال از نخستین سال‌های ورود به بغداد در ملازمت مفید به‌سرس برد و پس از وی تا سالیان دراز، از شاگردان نزدیک شریف مرتضی به‌شمار می‌آمد. از مفید هیچ اثر تفسیری مستقلی برجای نمانده است اما وی در لابه‌لای رسائل و کتب فقهی و کلامی خود بارها به تفسیر برخی آیات قرآن پرداخته است. دو اثر دیگر تفسیری - ادبی از شریف‌رضی و شریف مرتضی عبارت‌اند از: «فهر الفوائد» در القرائه از شریف مرتضی معروف به امالی المر ترضی و «حقائق التأویل فی مشابه التبیان» از شریف‌رضی. کلام شیعی در این دوره به دلیل مجاورت و گاه رویارویی با متکلمان معتزلی، تأثیراتی از برخی متفکران معتزله بغداد یافته است. این تأثیر در آثار شیخ مفید کمتر و در نوشته‌های شریف‌رضی،

شریف مرتضی و شیخ طوسی بسیار بیشتر مشهود است. شریف‌رضی خود را از شاگردان علی بن عیسی الربعی، ابوبکر محمد بن موسی جوزی، قاضی عبدالجبار معتزلی و ابوالفتح ابن حنی می‌شمارد.^(۵) شیخ مفید نیز ابوعبدالله بصری، علی بن عیسی رماتی شریف مرتضی، ابوالفتح ابن جنی و قاضی عبدالجبار معتزلی، نحو و کلام خوانده بود.^(۶) اینان به‌عکس برخی محدثان پیشین امامیه صریحاً خود را متکلم و طرفدار علم کلام می‌خواندند؛ با این همه، کوشش اصلی ایشان بر آن بود که در عین عقلانی کردن آموزه‌های امامیه و پذیرش اصولی چون عدل و صفات الهی از متکلمان معتزله، عقاید بناسازگار امامیه با کلام معتزلی چون مسئله امامت را حفظ و تحکیم کنند؛ از همین رو، فی‌المثل شریف مرتضی کتاب «الشافی فی الإمامه» را علیه آموزگار سابق خود قاضی عبدالجبار نوشت.^(۷)

نقد‌های این دسته از علمای شیعه بغداد علیه محدثان قمی گاه بسیار گزنده و تند بوده است؛ هیچ‌یک از ایشان هشتاد‌های علمای قم مبنی بر دوری و کناره‌گیری از متکلمان معتزلی و حتی دوری از متکلمان شیعه نوخیزی را جدی نگرفت. مفید، تصحیح الاعتقادات خود را به منظور بازنگری و نقد کتاب استاد خود ابن‌بابویه قمی (شیخ صدوق) نوشت.^(۸) حتی وی را از حشویه به‌شمار آورد.^(۹) شریف مرتضی نیز رسماً تمام علمای قم جز شیخ صدوق را مشبهه و مجریه خواند و هم او در نقد عمل به خیر واحد، اصحاب معروف ائمه (ع) چون یونس بن عبدالرحمان و فضل بن شاذان را به سبب اعتقاد و عمل به قیاس، کافر دانست. اینان از سوی دیگر همواره با تکیه بر استدلال‌های عقلی و نقلی به بررسی و نقد آراء و ادله تمامی فرق و مذاهب معروف اسلامی در باب مهم‌ترین مسائل کلامی، قرآنی، فقهی و تفسیری می‌پرداختند. شیخ طوسی نیز که متعلق به همین نسل است و در شمار عالمان شیعه بغداد قرار دارد، از این گرایش بر کنار نیست. رده‌های فراوان وی علیه اعتقادات اشاعره، مجریه، مشبهه، مجسمه و دسته‌های از معتزله (به‌شبهه) فضای این تفسیر را در قیاس با تفاسیر پیش‌طوسی بسیار متفاوت ساخته است. این رنگ‌وبوی متفاوت امری است که در آثار کلامی تفسیری شیخ مفید و شریف مرتضی به‌وضوح هویداست.

نقل‌های صریح شیخ طوسی از شریف مرتضی بسیار بیشتر از مفید و شریف‌رضی است. نام این دو فرد اخیر، هیچ‌گاه در التبیان ذکر نمی‌شود، هر چند برخی از آرای ادبی، کلامی یا تفسیری ایشان مورد نظر شیخ طوسی بوده است.^(۱۰) به عکس، طوسی همواره نام استاد خود - شریف مرتضی - را در تفسیرش به‌طور کامل (المر ترضی علی بن‌الحسین الموسوی) و با احترام فراوان ذکر می‌کند.^(۱۱) و آری او را می‌پذیرد. در یک مورد شگفت، نخست رأیی را به استناد نسبت می‌دهد و بعدها در جای دیگری می‌گوید این رأی از آن خود من بوده آن را بر شریف مرتضی عرضه کردم، او هم آن را پسندید و اختیار کرد. موضوع سخن وی بحث در زائده بودن «کاف» در جمله «لیس کمله شیء» است. او در التبیان^(۱۲) می‌گوید به نظر شریف مرتضی، «کاف» اینجا زائده نیست؛ چه وقتی مثل او مثل ندارد، به طریق اولی خود او نیز مثل و تشبیه ندارد. بعدها ماجرای طرح این نظریه در حضور شریف مرتضی و استحسان وی نسبت به این رأی را تعریف می‌کند.^(۱۳)

دیگر نظریه‌ای که پیوند میان شیخ طوسی و استادش شریف مرتضی را روشن‌تر می‌کند، به موضوع ماهیت حروف مقطعه در آغاز برخی سوره‌ها مربوط می‌شود. پیش‌تر شریف مرتضی^(۱۴) با رد مشروح تمامی دیدگاه‌های مختلف عالمان اسلامی در باب حقیقت و معنای حروف مقطعه، این حروف را ماهی‌ها برای هر یک از سوره‌ها دانسته است. وی سپس (حاجان) می‌کوشد به تمام ایرادها و انتقادهای احتمالی به این نظریه، پاسخ دهد. همین رأی در تفسیر التبیان بارها مطرح شده است و شیخ طوسی آن را یگانه و چه مقبول در تبیین حروف مقطعه می‌داند. وی بی‌آنکه از شریف مرتضی نام

۱۵
۱۴
۱۳
۱۲
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱

بیرد، نظری را به تفصیل نقل و از آن دفاع می‌کند و در موارد دیگر همواره بر آن تأکید می‌ورزد.^(۱)

ج- تفاسیر اهل سنت

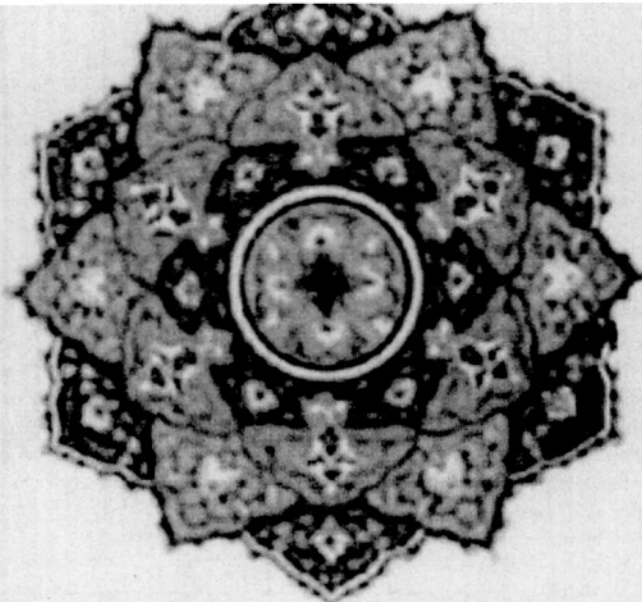
تفاسیر لغوی و ادبی اهل سنت: در اکثر تفاسیر نخستین اهل سنت، به مباحث لغت، صرف، نحو، اشتقاق و گاه بلاغت توجه شده است. در این میان، آثار تفسیری- ادبی چندی در دست است که استفاده شیخ طوسی از آنها باعث شده چهره التبیان، بسیاری متفاوت از تفاسیر شیعی پیش‌طوسی بنماید. این کتاب‌ها عبارتند از معانی القرآن (از فرام، م ۲۰۷ ق)، تأویل مشکل القرآن (از ابن قتیبه، م ۲۱۰ ق)، مجاز القرآن (از ابوعبیده معمر بن مثنی، م ۲۱۰ ق)، معانی القرآن (از اخفش اوسط، م ۲۱۵ ق)، ضیاء القلوب فی معانی القرآن (از مفضل بن سلمه، م ۳۰۰ ق)، معانی القرآن (از ابوحنیفه زجاج، م ۳۱۱ ق).

سجح منقولات شیخ طوسی از این آثار به یک اندازه نیست؛ از برخی چون ابن قتیبه و مفضل بن سلمه منقولات کمتری می‌آورد، اما به بعضی آثار از قبیل فراء، اخفش و ابوعبیده فراوان ارجاع می‌دهد. نام فراء بیش از ۷۲۰ بار، اخفش ۹۲ بار، ابوعبیده ۲۴۵ بار و زجاج ۹۷۵ بار در التبیان آمده است. بیشتر این منقولات بدون نقد و ارزیابی است، اما گاه خود شیخ طوسی به سنجش برخی از این آراء پرداخته، رأی را تضعیف می‌کند و رأی دیگری را برمی‌گزیند.^(۲) منقولات طوسی از این آثار تنها به ذکر توضیحات لغوی و نحوی محدود نمی‌شود؛ وی حتی از برخی آنها، مطالب تفسیری، بیان قرآنت و توجیهات نحوی راجع به هر یک از قرآنت معروف و شدذ را نقل می‌کند. گفتنی است؛ این شیوه از «قرآنی‌گرایی» افراطی مفسران سنی قرون دوم و سوم در آثار عالمان امامیه در «مکتب تفسیری بغداد» متفاوت از روش مفسران پیش-طوسی است. هر چند ظهور این روش در التبیان بسیار گسترده و با شاوهد فراوان همراه است، باید توجه داشت که چنین شیوه‌ای را چند دهه قبل عالمان ادیبان شیعی چون شریف رضی و شریف مرتضی در بغداد در آثار خود به کار گرفته بودند (برای نمونه نگاه کنید به شریف رضی، حقائق التأویل؛ شریف مرتضی، أمالی المرتضی، جاهای متعدد) و پس از طوسی، این عمل در تفسیر مجمع البیان (طبری) به اوج و نهایت خود رسید، چنان که کمتر دانشمندی از میان مفسران شیعه آن را ناپسند می‌شمرد.

تفاسیر متأثر اهل سنت: مهم‌ترین گنجینه روایی از احادیث تفسیری اهل سنت که طوسی در اختیار داشته، تفسیر طبری است. این اثر حجیم هر چند تمام اقوال روایی آن روزگار را در خود گرد نیاورده اما در آن زمان و حتی بعدها کامل‌ترین مجموعه روایی از اقوال و آرای تفسیری منسوب به پیامبر، صحابه و تابعین به‌شمار می‌آید. شیخ طوسی در بیان اقوال و آرای مختلف تفسیری، شأن نزول، نقل‌های تاریخی و حتی بررسی نکات ادبی، همواره به تفسیر طبری توجه داشته و در ذیل بیشتر آیات، به روایات تفسیری و آرای نخستین مفسران که در این تفسیر آمده اشاره می‌کند. مبالغه نیست اگر بگوییم شیخ طوسی بدنه تفسیر خود را از تفسیر طبری گرفته و به آن شکل دلخواه خود را داده است. وی می‌آنگهد تا تمام سلسله اسناد طبری تا صحابه یا تابعین را تکرار کند، اقوال و آرای تفسیری این مفسران را در بخش‌های مختلف تقسیم‌بندی و چکیده‌هر رأی را بیان می‌کند.

روی دیگر نگاه طوسی به آراء و اقوال خود طبری است. نام طبری بیش از ۶۵۰ بار در التبیان آمده و در این میان طوسی بارها به رأی شخصی طبری و ترجیحی که وی اختیار کرده است، توجه و آن را نقل می‌کند.^(۳)

تفاسیر کلامی معتزله: تفاسیر کلامی معتزله و به‌طور کلی آثار و مکتوبات کلامی ایشان از مهم‌ترین منابع شیخ طوسی در التبیان به‌شمار می‌روند. این امر با مرور بر بخش‌های مختلف تفسیری وی به‌دست می‌آید که خود، جایگاه کلام در کار شیخ طوسی و



تفسیر التبیان را نشان می‌دهد. برخی با توجه به همین میزان تعلقات کلامی در کار شیخ طوسی، تفسیر التبیان را اساساً تفسیری کلامی خوانده‌اند. شیخ طوسی به نگاه‌های کلامی تفسیری بسیاری از اهل سنت مراجعه، از آنها نقل و غالباً بر آنها نقد وارد می‌کند؛ بیشتر این متون امروزه از میان رفته‌اند که همین فضاوت دقیق در این باب را دشوار یا ناممکن می‌کند. دو تفسیر معتزلی از ابومسلم محمد بحر اصفهانی (م ۲۲۰ ق) و علی بن عیسی رمانی (م ۲۸۴ ق) که روش معتدشان در مقدمه التبیان به‌صراحت مورد ستایش طوسی قرار گرفته، امروزه در اختیار نیستند؛ از این دو، تنها منقولاتی در تفسیر الکبیر (فخرالدین رازی) و سعد السعود (سیدین طلوس) موجود است. جز این دو، توجه طوسی به آثار ابوعلی جیبی (م ۲۰۳ ق)، ابوالقاسم بلخی (م ۳۱۹ ق)، ابن‌خشیب (م ۲۲۶ ق) و در مواردی اندک، ابوبکر نقاش (م ۳۵۱ ق) جدی و قابل اعتناست. در این میان، قاضی عبدالجبار همدانی تنها معتزلی مهمی است که طوسی هیچ‌گاه از او نام نمی‌برد.

مطالب تفاسیر بلخی و جیبی که امروزه در دسترس ما نیستند، بسیار در التبیان نقل می‌شوند. بسیاری از این نقل‌ها با گزارش‌های مکتوبان مقدم چون شریف رضی، شریف مرتضی و قاضی عبدالجبار همخوانی دارد. از نظر در موضوعی از تفسیر خود تصریح می‌کند که فلان رأی در تفسیر ابوعلی یا تفسیر بلخی آمده است^(۴) اما در التبیان کمتر به چنین عبارتی برمی‌خوریم، گو اینکه نام ابوعلی جیبی بیش از ۷۷۰ بار و نام ابوالقاسم بلخی بیش از ۴۰۰ بار در این کتاب آمده است.^(۵)

تفسیر ابوالقاسم بلخی (م ۳۱۹ ق) نیز مورد اعتنای شیخ طوسی بوده و در مقدمه التبیان از آن یاد کرده است. طوسی که این تفسیر را نباشته از آرای فقهی می‌خواند^(۶)، بیشتر نقدهای خود را بر آرای ادبی^(۷) و فقهی وی، به‌ویژه در مسائل اخلاقی با شیعه وارد می‌کند.^(۸)

دو تفسیر معتزلی ابومسلم اصفهانی و علی بن عیسی رمانی، از دیگر منابع تفسیری- کلامی التبیان به‌شمار می‌آیند. این هر دو تفسیر را شیخ طوسی در مقدمه کتاب خود^(۹) بر سایر تفاسیر معتزله و حتی عموم مفسران ترجیح می‌دهد و از آنها به نیکی یاد می‌کند. سوگندنامه باید بگوییم که این دو تفسیر کهن معتزلی نیز اکنون در اختیار ما نیست و تنها نقل‌هایی از آنها را در حقائق التأویل (شریف رضی)، تنزیه الانبیاء (شرف مرتضی) التبیان (شیخ طوسی)، التفسیر الکبیر (فخرالدین رازی) و سعد السعود (ابن طاووس) می‌توان یافت.^(۱۰)

اکنون پس از مروری اجمالی بر مهم‌ترین منابع تفسیری التبیان، می‌توان نتیجه گرفت که این تفسیر، محصول ذهن بویافته و نقاد و جامع‌نگر شیخ طوسی در عصر خود در بغداد بوده است. بدیهی است عنصر زمان و مکان در تاریخ اندیشه و

علوم، اساسی‌ترین کلید برای فهم تفاوت‌ها و تحولات علوم به‌شمار می‌آید. مجموعه شرایط زمانی و مکانی قرون چهارم و پنجم هجری در بغداد، علاوه بر نیازها، تنگناها و پرسش‌های اساسی علوم اسلامی در آن زمان، تفسیر التبیان شیخ طوسی را یکسره متفاوت از تمام تفاسیر پیش‌طوسی ساخته است به‌گونه‌ای که می‌توانیم به‌وضوح آن را ترکیبی گزینش‌شده از مهم‌ترین آثار و آرای ادبی، لغوی، فقهی، کلامی و تفسیری شیعه و سنی در حوزه قرآن و در عصر شیخ طوسی بدانیم. شیخ طوسی با نگارش التبیان، در واقع سیر تفسیر نگاری شیعه امامیه را از یک نقطه عطف عبور داد. این سبک تفسیر نگاری که عمدتاً در شکل و ساختار و تاندازهای در محتوا و مطالب، از تفاسیر اهل سنت تأثیر یافته بود، تنها و تنها به مدد قدرت، نفوذ و مرجعیت علمی شیخ طوسی ماندگار شد؛ گویا اینکه بعدها طبرسی با پالایش آن، حجم روایات شیعی در تفسیر مجمع البیان را افزایش داد. دور نیست که پنداریم، راز شهرت و رواج بسیار چشمگیر مجمع البیان طبرسی در برابر التبیان شیخ طوسی در محیط‌های شیعه در همین امر نهفته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. فی‌المثل ابوسحاق نعمانی (م ۴۲۷ ق) صاحب عرائس البیان، در تفسیر خود با عنوان الکشف و البیان (ج ۱، ص ۸۲، ج ۸، ص ۱۱۷، ج ۹، ص ۱۱۳) از منقولات روایی تفسیر ابوحزمه ثمالی (م ۱۴۸ تا ۱۵۰ ق) نقل می‌کند.

۲. طوسی، فهرست، نجاشی، کتاب الرجال و ابن‌لندیم، فهرست، ذیل نام.

۳. التبیان، ج ۳، ص ۲۸۶، ج ۶، ص ۴۸۳.

۴. التبیان، ج ۳، ص ۲۸۶، ج ۶، ص ۴۸۳. شیخ طوسی چنین نتیجه گرفت که مراد وی از تعابیری چون «فی تفسیر اصحابنا» یا «قول اصحابنا فی التفسیر» در مواضع دیگر تفسیر التبیان، همان علی بن ابراهیم قمی است. چنین مواردی زیاد نیستند و بنا به استقصای من، این تعبیر به‌جز اینجا در دو جای دیگر آمده است؛ نخستین مورد در تفسیر آیه ۳ سوره نساء (وإن خفتن ألا یقتلوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء) است. شیخ طوسی در سبب نزول آیه، روایتی را از عایشه نقل می‌کند و سپس می‌افزاید «و مثل هذا ذکر فی تفسیر اصحابنا». این روایت و توضیحی که شیخ طوسی در ادامه به‌دست می‌دهد، تنها در تفسیر علی بن ابراهیم قمی (ج ۱، ص ۱۳۰) آمده است.

۵. مورد دوم در تفسیر آیات سوره هود (۱۰۷-۱۰۶) اخلاذین فیها ما دامت السموات و الأرض إلا ما شاء ربک، است که در تبیین و توضیح استثنای موجود در آن، شیخ طوسی ۹ قول مختلف و غالباً از مفسران اهل سنت نقل می‌کند و قول اول را که منقول از ابن عباس، قتاده، ضحاک، جابر بن عبدالله و ابوسعید خدری است با مذهب شیعه موافق می‌داند و می‌پذیرد. آینده طبرسی هم این رأی را در مجمع البیان (ج ۸، ص ۳۳۶) با تفصیل بیشتری آورده و ترجیح داده است. آنگاه پس از ذکر اقوال دیگر، نظر هم را به «قوم من اصحابنا فی التفسیر»

نسیست می‌دهد که معتقدند این خلود در آتش مربوط به دوران بروج و قبر است (التبیان، ج ۶، ص ۷۰-۶۸). این سخن از ن علی بن ابراهیم قمی است؛ چه رأی وی آن چنان که در تفسیرش (ج ۱، ص ۱۹، ج ۲، ص ۳۲۸) آمده، آن است که ایشان در مدت این دنیا و تا هنگام دوام آسمان‌ها و زمین در آتش جاوداند. این سخن و قاعده کلی را به‌صورت مطلق در سبب تعبیر «اصحابنا» در تفسیر التبیان نمی‌توان گفت، چرا که عموماً مراد شیخ طوسی از این تعبیر، فقیهان، اصولیان، محدثان و راویان شیعه است.

۵. حقائق التأویل، صص ۲۰، ۸۷، ۲۵۳، ۳۲۱، محمد عبدالغنی حسن، الشریف الرضی بین مجازات القرآن و الحدیث.

۶. آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۱، ص ۱۶۵.

۷. کرمر، صص ۱۲۰-۱۱۲، مادولنگ، صص ۱۳۲ و ۱۳۱.

۸. مکدرموت، صص ۱۶-۱۴ و ۲۳-۲۰.

۹. مادولنگ، صص ۱۲۹.

۱۰. رسائل المرتضی، ج ۳، صص ۳۰۹، بعد.

۱۱. برای نمونه نگاه کنید به نقد یکی از دیدگاه‌های ادبی اخفش و اسکاکی در التبیان، ج ۳، ص ۵۹ و مقایسه کنید با همین بحث در شریف رضی، حقائق التأویل، صص ۲۸۸.

۱۲. التبیان، ج ۱، ص ۳، ج ۲، صص ۹ و ۲۹۸، ج ۵، صص ۱۴۵، ج ۹، ص ۱۴۹.

۱۳. ج ۲، ص ۳۹۸.

۱۴. ج ۹، ص ۱۴۹.

۱۵. رسائل المرتضی، ج ۳، صص ۳۰۱-۲۹۷.

۱۶. التبیان، ج ۴، ص ۳۴۰، ج ۵، صص ۲۳۱ و ۴۴۵، ج ۶، ص ۹۱.

۱۷. فی‌المثل بنگرید به ج ۱، ص ۱۳۰، در رد نظر ابوعبیده.

۱۸. التبیان، موارد مکرر؛ برای مواردی از نقدها و رد آرای طبری نگاه کنید؛ ج ۱، ص ۱۴۶، ج ۲، صص ۳۷۵ و ۵۲۷، ج ۴، ص ۱۰.

۱۹. فی‌المثل: بکت قاضی عبدالجبار، مشابه القرآن، ج ۱، صص ۷۴ و ۲۳۰، شریف رضی، حقائق التأویل، ص ۱۱۶.

۲۰. تنها در یک جا (التبیان، ج ۴، ص ۲۹۷) طوسی از تفسیر جیبی و در جایی دیگر (التبیان، ج ۱، ص ۱۶۳) از اثر دیگر جیبی با عنوان نوادر نام می‌برد. مقال الجیبی فی نوادر.

۲۱. التبیان، ج ۱، ص ۱.

۲۲. قاضی عبدالجبار معتزلی (فضل الإعتزال، ص ۲۹۷)، تفسیر بلخی را در دو حوزه فقه و کلام بسیار متفنن می‌داند، اما خواننده را از آرای نحوی و ادبی وی برهیز می‌دهد.

۲۳. التبیان، ج ۱، صص ۱۲ و ۱۳، ج ۳، صص ۲۹۶ و ۴۰۹، ج ۲، ص ۱.

۲۵. مجموعه نقل‌هایی از تفسیر ابومسلم را سال‌ها پیش سعید انصاری با عنوان «ملفوظ جامع التأویل لمحکم التنزیل در کلکته» (مطبعة البلاغ، ۱۳۴۰/ ۱۹۲۰ م) در یک مجلد به چاپ رسانده است. بعدها گردیدهای منقولات تفسیری وی به همت سیدمحمدرضا غیانی کرمانی در ایران فراهم آمد که تنها نقل‌های شیخ طوسی در التبیان و فخرالدین رازی در التفسیر الکبیر را گردآوری کرده است. هر چند برخی مدعی وجود نسخه‌ای از این تفسیر (در اصل ۱۴ یا ۲۰ جلدی) در کتابخانه کنگره آمریکا (واشنگتن) شده‌اند، نگارنده با جست‌وجوی مکرر در وب‌سایت این کتابخانه (www.gov)

۲۶. رمانی، رانیز «الجامع لعلوم القرآن» خوانده‌اند. اصل این تفسیر، جز همان منقولاتی که در قرون میانه در متون اسلامی آمده، خبری ندارد؛ یا هم، ابراهیم عبدالله فیده (ج ۱، ص ۵۷۴) می‌گوید: «مجلد ۱۲ آن به صورت میکروفیلم در معهد المخطوطات العربیه (قاهره) بایش از ۲۰۰ صفحه موجود است که در اصل از کتابخانه المسجد الأقصى گرفته شده و من از آن کپی ساختم. این جلد تفسیر آیات از ابراهیم، ۱۷ تا کتف، ۲۷ درازتر دارد.» در سوی دیگر، این نیز عجیب است که ابن‌لندیم، هنگام ذکر مصنفات وی در الفهرست (ص ۶۹)، نامی از تفسیری نمی‌برد؛ تنها توجیه ممکن این است که بگوییم تا زمان تألیف الفهرست، رمانی هنوز تفسیر خود را ننوخته بوده است.